

# کتاب انزله المظلوم لمن شهد و رای آیات ربه الکبری و فاز بما کان مذکوراً...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



رقم (21) - من آثار حضرت بهاء الله - کتاب اشراقات -

صفحه 243 - 248

( 21 )

## هو المقتدر المختار

کتاب انزله المظلوم لمن شهد و رای آیات ربه الکبری و فاز بما کان مذکوراً فی کتب الله رب العالمین  
طوبی لمن عرف ما خلق له و نعیماً لمن تمسک بجبل الله العظیم الذی سمعت النداء و اقبلت  
رایناه و سمعنا ما فیہ اجبناک بلوح به نادى المناد الملک لله العزیز الحمید

یا افنانی علیک بهائی و عنایتی قد فاز ندائک باصغائی و کتابک بلحاظی ان ربک هو السامع المجیب اذ کر  
الایام التی کنت فیها قائماً امام وجه ربک و قاعدا لدى عرشه العظیم انت الذی سمعت النداء و اقبلت  
الی الافق الاعلی و شربت رحیق العرفان من یدعطاء ربک الکریم قد قدر لک من قلم القدم ما لا یعادله  
العالم کذلک بشرک المظلوم فی سجنه الاعظم لتشکر ربک الغفور الرحیم اذا فزت بلوحی و شربت رحیق



ORIGINAL

الوحى من كؤس كهاتى قل الهى الهى لك الحمد بما قربتنى اليك و احضرتنى فى بساطك و شرفتنى بلقائك و سقيتنى كوثر بيانك و عرفتنى نبأك العظيم و صراطك المستقيم انا الذى يا الهى كنت غافلا علمتنى ظهورات عنايتك و كنت راقدا ايقظتنى يد جودك و كنت بعيدا قربتنى شؤنات فضلک كيف اذكريا الهى بدائع عنايتك و ما انزلت لى من سماء مشيتك و جبروت ارادتک قد احاطت بى آثار قلبك الاعلى و رحمتك التى سبقت الاشياء بحيث جعلتنى من افنان سدرتك و نسبتنى الى نفسك و عزتك لوىكون لى الف روح فى كل حين و افدى به فى سبيلك لا يعادل بقطرة من بحر عطائك و جذوة من نار شجرة امرک اى رب ايدنى على ذکرک و ثنائک و خدمة اصفياک و عزتك يا مولى الاسماء و فاطر السماء احب ان تجعلنى فى كل الاحوال منجذبا بآياتک و متنورا بنورک و متشبثا باذيال رداء کرمک و ناظرا الى افقک و اکون على شأن لا ينعنى ما فى العالم من القوة و القدرة و السطوة انک انت المقتدر على ما تشاء و فى قبضتک زمام الاشياء اسئلك يا مظهر البينات و منزل الآيات بکتابک المبين و ما فيه من اسرارک و عرفانک و بشموس المحبة و الوداد التى اشرفت من آفاق افئدة المخلصين من عبادک ان تکتب لى ما يحفظنى عن الذين نقضوا عهدک و کفروا ببرهانک و جادلوا بآياتک و انکروا حقک اى رب ترانى خاضعا لوجهک و خاشعا لامرک قدر لى خير الآخرة و الاولى انک انت مولى الورى و رب العرش العظيم و الكرسي الرفيع

يا افنانى سبب تاخير جواب انقلاب اين ارض بوده از اول ايام تا حين مظلوم دست اعدا بوده اگر چه قوت و شوکت و اقتدار اهل عالم نفوذ کلمه عليا و اقتدار قلم اعلى را منع ننموده و نخواهد نمود و لکن چون مظلوميت نزد حق مقبول بوده و هست لذا محل تعديهاى ظالمين و معتدين واقع و فى تبديل السجن بالجنة العليا لآيات للمتفرسين و بينات للمتبصرين آنچه در الواح از قلم اعلى جارى شده ظاهر گشته و ميگردد از حق ميطلبيم ترا مؤيد فرمايد بر آنچه رضای دوست در اوست بعضى از افنان عليهم بهاء الرحمن طائف هولند و در ظل قباب عظمت ساکن و مستريح و بعد الامر بيده يفعل ما يشاء و يحکم ما يريد و هو المقتدر القدير و اينکه در باب گرفتارى خلق و عدم شعورشان ذکر نموديد حق لا ريب فيه آنچه بر اهل ارض وارد شده و ميشود از جزای اعمال است انسان و جميع اشياء متحير حزبي در قرون و اعصار يا قائم گفتند و بالاخره شهيدش نمودند يا افنانى يومى از ايام در ارض طا که مقرر سلطنت ايرانست مشى مینموديم بغتة از کل جهات حنين مرتفع بعد از توجه ناله منابريکه در مدن و ديار ان اقليم است اصغا شد و باين کلمات ذاکر الهى الهى خاتم رسل و سيد کل رسول الله روح ما سويه فداه ما را از برای ذکر و ثنائى تو ترتيب داده مقصود آنکه بر ما ذکر حق و ثنائيش و ثنائى اولياش مرتفع گردد و حال معشر جهلاء بر ما بسب و لعن حضرت مقصود مشغولند الهى الهى ما را نجات بخش و از انفس مشرکه حفظ نما در جواب اينکلمه عليا از لسان مالک اسما نازل انا قبلنا البلايا لاطهار الامر و نصبر

فیهما انه هو الستار یأمرکم بالستر الجلیل و هو الصبار یوصیکم بالصبر الجمیل یا افنانی یک منبر از منبر ایران باقی نه مگر آنکه بران حق جل جلاله را سب نمودند و گفتند آنچه را که ذکرش ممنوعست اگر رحمت حق سبقت نگرفته بود کل هلاک میشدند دو امر سبب ابقا شده یکی عفو الهی و دیگر اعمال بعضی از نفوس که خود را بحق نسبت میدادند از حق میطلبیم نائین را آگاه نماید و غافلین را بنور دانائی منور فرماید اوست مقتدر و توانا از مقصود عالمیان مسئلت مینمائیم انجناب و منتسبین را موفق فرماید بر آنچه که عرفش بدوام ملک و ملکوت باقی و پاینده است ذکر جناب افنان الذی سمی بحمد قبل باقر از قلم اعلی جاری بذکری فائز شده که در کتاب الهی از قلم قدم ثبت گشته ان ربک هو الفضال الکریم البهآء المشرق من افق سمآء عنایتی علیک و علی من معک و یحبک لوجه الله رب العالمین جناب امین لا زال ذکر شما و افنان را نموده مراسلاتی که بعد حاضر ارسال داشته هر یک بذکر افنان مزین بوده حال بان سمت توجه نموده لذا او را ذکر مینمائیم بذکر بدیع لیجذبه و افنانی الی الله رب العالمین امروز عرف ظهور عالم را احاطه نموده لکن اکثری محرومند از حق میطلبیم اولیاء خود را مؤید فرماید بر آنچه سزاوار یوم الله است باری امین در هر محل و مقام که هست ذکر مظلومرا باو برسانید لیفرح و یکون من الشاکرین